



استان قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَشْرَاتِ

خدایا مرا در این ماه بر لغزش‌ها سرزنش مکن  
وَأَقِلْنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَقْوَاتِ

و از خطاها و افتادن در گناهان دور بدار  
وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ

و هدف بلاها و آفات قرار مده  
بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ.

به عزتت ای عزت مسلمانان.



دعای روز چهاردهم ماه رمضان



## درس ۱۴ : مقدسات در اسلام

احترام به مقدسات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (حجرات، ۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در گفتگو با پیامبر) صدایتان را فوق صدای پیامبر نکنید و آن گونه ه با یکدیگر بلند گفتگو می کنید، با پیامبر بلند سخن مگویید! مبدا (به خاطر این بی ادبی) اعمالتان نابود شود و شما آگاه نشوید.

در تمام دنیا (با وجود عقاید مختلف)، به بزرگان خود احترام خاص می گذارند. شهرها، خیابانها، دانشگاهها، فرودگاهها، مدارس و موسسات را به نام آنان نام گذاری می کنند. در اسلام نیز برخی افراد و حتی برخی گیاهان و جمادات قداسات دارند.

در اسلام ریشه ی کرامت و قداسات هر چیزی، وابستگی آن به ذات مقدس خداوند است و هر چه این وابستگی بیشتر باشد، قداسات آن هم بیشتر است و ما باید احترام ویژه ی آن را حفظ کنیم؛ اما مقدسات:

۱- خداوند سرچشمه قدس است و مشکران که دیگران را با خدا یکسان می پندارند، در قیامت به انحراف خود اقرار خواهند کرد و به معبودهای خیالی خود خواهند گفت: رمز بدبختی ما این است که شما را با پروردگار جهانیان یکسان می پنداشتیم. «إِذْ نَسُوا اللَّهَ الَّذِي بَدَعَهُمْ وَإِذْ تَبَرَّأُوا إِلَيْهِمْ»

در قرآن از تسبیح و تنزیه خداوند زیاد سخن به میان آمده است، یعنی ما باید برای خداوند آن احترام و قداستی را بپذیریم که هیچ گونه عیب و نقصی برای او تصور نشود. نه تنها ذات او، بلکه نام او نیز باید منزّه باشد. «سبح اسم ربك الاعلی»

۲- کتاب خدا نیز احترام و قداسات ویژه ای دارد. وقتی خداوند قرآن را عظیم می داند، پس ما باید آن را تعظیم کنیم، وقتی قرآن را کریم می داند، ما باید آن را تکریم کنیم. و چون قرآن را مجید می داند، ما باید قرآن را تمجید کنیم.

۳- رهبران الهی، پیامبران و تمام جانشینان بر حق آن بزرگواران به خصوص حضرت محمد و اهل بیت او، دارای مقام مخصوصی هستند که در این سوره پاره ای از آداب برخورد با آن حضرت بیان شده است: برآنان پیشی نگیریم، بلندتر از آنان صحبت نکنیم و در آیات دیگر، فرمان صلوات بر پیامبر داده شده است.

البته باید به این نکته توجه کنیم که پس از رحلت پیامبر نیز، زیارت آن حضرت و زیارت و احترام جانشینان و ریه آن بزرگوار و تمام کسانی که به نحوی با آن حضرت نسبت دارند، به خصوص علمای ربانی و فقهای عادل و مراجع تقلید که به فرموده ی روایات، جانشینان پیامبرند، بر ما لازم است. چنانکه در حدیث می خوانیم: «کسی که سخن عادل فقیه را رد کند، مثل کسی است که سخن پیامبر را رد کند، مثل کسی است که سخن خدا را رد کرده باشد».





نه تنها شخص پیامبران ، بلکه آنچه مربوط به آنان است، قداست و کرامت دارد. در قرآن می خوانیم: صندوقی که موسی علیه السلام در زمان نوزادیش در آن نهاده و به دریا انداخته شده بود و بعدا یادگارهای موسی و آل موسی در آن نگهداری می شد، به قدری مقدس بود که فرشتگان آن را حمل می کردند و باعث پیروزی بر دشمنان می شد.

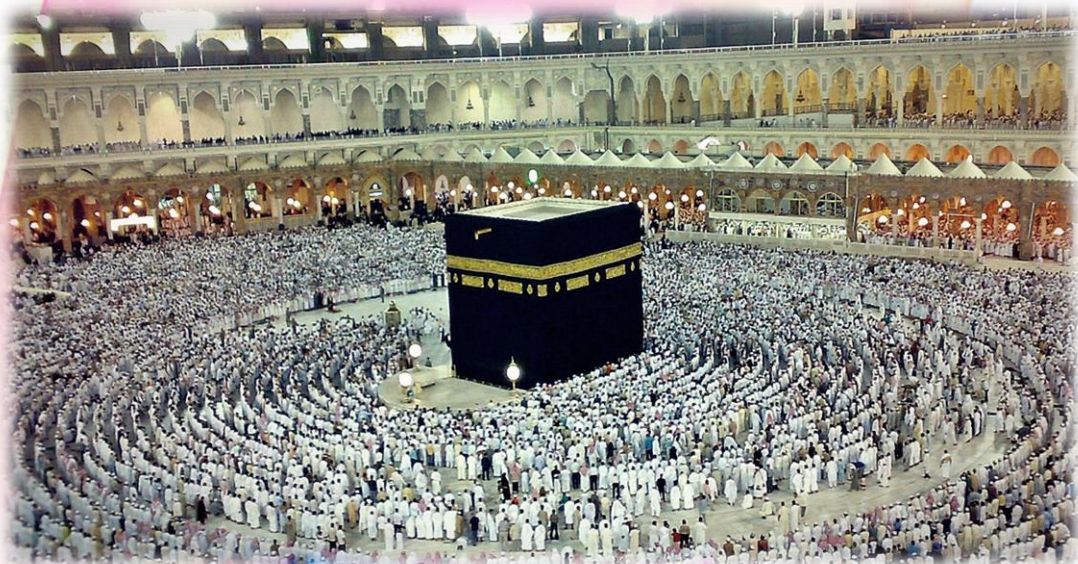
۴- در اسلام والدین از قداست و کرامت خاصی برخوردارند. در قران پنج مرتبه بعد از سفارش به یکتاپرستی، احسان به پدرومادر مطرح شده و تشکر از آنان در کنار تشکر از خداوند آمده است.

احترام به والدین تا آنجاست که نگاه همراه با محبت به والدین عبادت است و به ما سفارش شده صدای خود را بلندتر از صدای آنها قرار ندهید، سفری که سبب آزار آنان می شود حرام است و باید در آن سفر نماز را کامل خواند.

۵- در اسلام، بعضی زمان ها مثل شب قدر، بعضی مکان ها مثل مسجد، بعضی سنگ ها مثل حجرالاسود، بعضی آبها مثل زمزم، بعضی خاکها مثل تربت امام حسین، بعضی لباس ها مثل لباس احرام، مقدس شمرده شده است و باید برای آنها احترام خاصی قائل شد.

حضرت موسی به احترام وادی مقدس، هنگام ورود به آنجا کفش خود را بیرون آورد . «فاخلع نعلیک إنک بالواد المقدس طوی»

مسجدالحرام مکان مقدسی است که مشرک، حق ورود به آنجا را ندارد. «إِنَّ الْمَشْرِكِينَ نَجَسٌ فَلَا تَقْرَبُوا المسجد الحرام»



محل عبادت و مساجد مقدس است و هنگامی که به مسجد می روید، زیبا و پاکیزه بروید. «خذوا زینتکم عند کلّ مسجد»، و فرد جُنُب و ناپاک، حق توقف در مسجد را ندارد. «و لا جنباً إلاّ عابری سبیل»

مسجد به قدری عزیز است که افرادی مثل ابراهیم و اسماعیل و زکریا و مریم علیهم السلام مسئول تطهیر آن بوده اند. «طهّرا بیتی»



حتی مادر مریم که خیال می کرد فرزندش پسر است، نذر کرد او را خادم مسجدالاقصی کند. «إِنِّي نذرت لك ما في بطني محررا»

۶- انسان با ایمان نیز دارای قداست و کرامت است، تا آنجا که آبروی مومن از کعبه بیشتر است و آزار و غیبت او حرام و دفاع از حق او واجب و حتی بعد از مرگ نیز نبش قبر او حرام است.

توهین به پیامبر، دفاع خداوند

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. همانا دشمن تو بی نسل و دم بریده است. (کوثر، ۱-۳)

هر چه ضربه به دین و مقدسات دینی بیشتر باشد، دفاع هم باید قوی تر باشد. به پیامبر جسارت های زیادی کردند و او را ساحر، کاهن، شاعر و مجنون خواندند که همه آنها در قرآن به نحوی جبران شده است؛ به پیامبر «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» تو جن زده ای، ولی خداوند فرمود: «ما أنت بنعمة ربك بمجنون» به لطف الهی تو مجنون نیستی. به آن حضرت گفتند: «لست مرسلا» تو فرستاده خدا نیستی، خداوند فرمود: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» قطعا تو از پیامبرانی. به حضرت نسبت شاعری و خیالبافی دادند: «لشاعر مجنون» خداوند فرمود: «و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له» ما به او شعر نیاموختیم و برای او سزاوار نیست.

به آن حضرت ابتر گفتند: خداوند فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

آری، پاسخ کسی که به اشرف مخلوقات ابتر بگوید، آن است که خداوند به او کوثری عطا کند که چشم همه خیره و عقل همه مبهوت شود.

از آیه آخر سوره کوثر که می فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» استفاده می شود که مراد از کوثر چیزی ضد ابتر است و از آنجا که عرب به افراد بی عقبه و بی نسل که فرزند پسر ندارند و با مردن، آثارشان محو می شود، ابتر می گوید، بهترین مصداق برای کوثر، ذریه پیامبر است که امامان معصوم از نسل فاطمه می باشند.

البته، کوثر معنایی عام دارد و شامل هر خیر کثیر می شود، امام هر کثیری کوثر نیست. قرآن می فرماید: اموال و اولاد مخالفان، شما را به تعجب و اندازد، زیرا که خداوند اراده کرده آنان را در دنیا از طریق همان اموال و اولاد عذاب کند.

در ماجرای فتح مکه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می شدند، خداوند تنها دستور تسبیح می دهد: «رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ» ولی برای عطا کردن کوثر به پیامبر می فرماید: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ»

نماز بگزار. گویا اهمیت کوثر در اسلام از اسلام آوردن مشرکان بیشتر است.

